

سبک رفتار



جهیزیه رننگین یا معامله سنگین؟

مهریه بالا خودزنی است

■ ساحل گرامی*

همیشه هنگامی که صحبت از ازدواج می‌شود، همه یاد مراسم شاد و باشکوهی می‌افتند که در آن دختر و پسر برای آغاز زندگی مشترک خود راهی خانه بخت می‌شوند. اما امروزه همین مراسم تبدیل به سد نیرومندی شده است که خیلی از جوانان حتی رغبت نمی‌کنند به سمت آن قدم بردارند و خانواده مستقل خود را تشکیل دهند. جدا از مسائل اقتصادی و اشتغال که مانع بزرگی بر سر ازدواج است شیوه نگرش جوانان و خانواده‌ها نگران‌کننده‌تر است. توقعاتی که روز به‌روز بیشتر می‌شود و تشریفاتی که انگار تمامی ندارد، از دواج راروز به‌روز سخت‌تر می‌کند. یعنی از اولین گام ازدواج که خواستگاری و مهریه است این چالش شروع می‌شود.

■ ■ ■

■ **رودبِه گود یا اندیشه «چه کسی داده و چه کسی گرفته؟»**

با افزایش سرسام آور قیمت سکه، پذیرفتن مهریه بالا از سمت خانواده پسر نوعی خودزنی محسوب می‌شود. چون ابتدا با اندیشه چه کسی داده و چه کسی گرفته است وارد گود می‌شوند و بعد از ورود به زندگی مشترک و اختلاف‌های پس از آن متوجه مخمصه‌ای می‌شوند که در آن گیر افتاده‌اند و برای آنها تنها پشیمانی است که به جا می‌ماند. در صورتی که اگر خانواده دختر مهریه‌ای معقول‌تر در نظر بگیرند یا پسران با توجه به بودجه خود تن به مهریه بدهند، چنین اتفاقاتی را شاهد نخواهیم بود.

■ **مهریه بالا؛ اهرم فشاری برای داماد!**

اگر غرض از مهریه با حفظ کانون خانواده با اهرم فشاری برای داماد باشد، باید گفت اندیشه‌ای کاملاً اشتباه است،

سبک ازدواج

■ **اردوان فرج پور**

«اگه می‌خوای ازدواج کنی، باید چند صدمیلیون پول داشته باشی.» اکثر مردم کشور ما این سخن تکراری و البته نادرست را در اماکن و در میان اقشار مختلف جامعه شنیده‌اند. این دیالوگ را بارها و بارها در محیط‌های گوناگون و از زبان افراد متفاوتی شنیده‌ایم. از راننده تاکسی، و بقال و آرایشگر گرفته تا پزشک، مهندس ، معلم و... در این میان افرادی هستند که با این سخن کاملاً موافق بوده و عده‌ای دیگر هم هستند که به شدت با این عقیده و دیدگاه مخالف می‌کنند. متأسفانه در جامعه ما تعداد افرادی که جزو دسته اول هستند، به مراتب بیشتر از دسته دوم است. در واقع افراد موجود در جامعه ما با مشاغل مختلف و سطوح و جایگاه متفاوت اجتماعی، فرهنگی و مالی‌شان، تعریفی غلط و نادرست را برای خود به وجود آورده‌اند، تعریفی که علت شکل‌گیری‌اش را می‌توان در تجمّل گرایی، مدگرایی، چشم و همچشمی و مواردی از این قبیل دانست.

■ ■ ■

برخی افراد از گذشته تاکنون از مقوله مهم ازدواج، تعریف غلطی ترسیم کرده‌اند که موجب ایجاد یأس، ناامیدی و ترس در میان اقشار گوناگون جامعه، به خصوص قشر فقیر و محروم شده است. به طوری که قشر فقیر جامعه، به دلیل ترویج فرهنگی غلط و اشتباه از ازدواج، حتی لحظه‌ای جرئت نمی‌کنند به آن بیندیشند، چه برسد به اینکه بخواهند برای ازدواج خود قدمی بردارند. در همین چند سال اخیر هرگاه شخصی از دشواری‌ها و سختی‌های ازدواج و فراهم کردن هزینه‌های مربوط به آن سخن می‌گفت، افراد مسن و سالخورده در جواب آن شخص می‌گفتند: اگر کسی نیت ازدواج کردن و تشکیل خانواده را داشته باشد، خداوند متعال تمام هزینه‌های آن را فراهم خواهد کرد. در واقع آنها به دلیل تجربه شخصی‌شان چنین دیدگاهی را نسبت به این امر خیر و آسمانی داشته‌اند. آنها ازدواج کردن زن و مرد را برخلاف دیدگاه کنونی مردم، امری کاملاً

عروسی کم کند و از هر چیزی بهترین را می‌خواهد، بهترین آرایشگاه، بهترین آتلیه، بهترین کلیپ عروسی، خود را تضمین کنند. البته غرض این نیست که دختران در این مورد احساسی و شتابزده عمل کنند و بدون شناخت کافی از طرف مقابل بدون هیچ مهریه‌ای به ازدواج رضایت دهند.

■ **تهیه جهیزیه‌های سنگین**

مسئله دیگر در شروع زندگی مشترک تهیه جهیزیه رنگین و سنگین از سوی والدین دختر است که روز به روز بر تعداد وسایل در این لیست اضافه می‌شود و هزینه‌ای مافوق تصور بر دوش خانواده دختر قرار می‌دهد. اگر بخواهیم صادقانه و بی‌طرفانه به این موضوع نگاه کنیم چه لزومی دارد که خانواده دختر زیر بار چنین هزینه‌ای برود؟

وقتی دو جوان که در ابتدای راه هستند و می‌توانند برای ساخت زندگی خود تلاش کنند چرا باید خانه‌ای را آماده و بدون هیچ کم و کاستی تحویل بگیرند؟

در نظر بگیرید در خانواده‌ای سه دختر دم بخت وجود دارد. سرپرست خانواده چگونه می‌تواند از پس این هزینه هنگفت بر آید؟ هم از نظر اخلاقی و هم از نظر قانونی به خانواده دختر در این مورد اجحاف می‌شود، چراکه در این لیست بلند بالا بسیاری از وسایل نه تنها ضروری نیستند بلکه به ندرت استفاده خواهند شد و فقط هزینه‌ای را تحمیل کرده است.

■ **جهیزیه بی معامله؟**

نکته غم‌انگیز ماجرا اینجاست که فقیه جهیزیه به مراسم

عروسی به نوعی معامله تبدیل می‌شود، به طوری که یک مسابقه است و چشم و همچشمی بیداد می‌کند. حتی بدتر از آن در مراسمی جهیزیه عروس را در معرض نمایش می‌گذارند و با دعوت فامیل آنها را به قضاوت می‌نشانند و خود صاحب مراسم با فخر و غرور جهیزیه را نشان می‌دهد، غافل از اینکه دلیلی ندارد داشته‌هایمان را به معرض نمایش بگذاریم، چراکه به صورت خودخواسته به این رسم غلط دامن می‌زنیم و آن را ادامه می‌دهیم.

■ **از مسائل مهم ازدواج دور شده و به فریات چسبیده‌ایم!**

اگر بخواهیم به ذات ازدواج نگاه کنیم، باید بدانیم ازدواج باعث تکامل دو انسان می‌شود و آنها را به رشد و آرامش می‌رساند. اما در بیشتر اوقات تشریف‌زمنه‌ساز اختلاف زوجین شده و همین کینه‌های اول کار باعث می‌شود در

وقتی موجودی بانکی شرط اصلی جواب «بله» می‌شود

اگه می‌خوای ازدواج کنی باید چند صد میلیون داشته باشی!

کاملاً غلط از مقوله ازدواج، خود را از متأهل شدن و مستقل شدن محروم کنند و تا آخر عمرشان مجرد بمانند؟ در میان برخی از مردم کشورمان امر ازدواج به گونه‌ای کاملاً غلط و نادرست تعریف شده است. به طوری که اگر کسی قصد ازدواج کردن داشته باشد، باید حتماً از پشتوانه‌ای مالی افراد علت داشتن چنین دیدگاهی را مشکلات اقتصادی و شرایط خاص حاکم بر جامعه می‌دانند. آنها بر این باورند که اگر از توانایی مالی لازم برخوردار نباشند، هیچ گاه نمی‌توانند ازدواج کنند. آیا داشتن چنین دیدگاهی منطقی و عاقلانه به نظر می‌رسد؟

به نظر شما اگر همه مردم بخواهند در وضعیت کنونی باین مقوله مهم به این شکل برخورد کنند، آیا دیگر کسی ازدواج خواهد کرد؟ قطعاً در صد قابل توجهی از مردم کشورمان، از سطح متوسط و حتی ضعیف مالی برخوردار هستند. آیا این تعداد از زن و مرد در کشور ما باید به دلیل داشتن نگرشی



سبک زندگی

سبک زندگی۸۸۴۹۸۷۱

سبک مصرف

بخشنامه فامیلی در تحریم گرانی

امسال آجیل نخوردم اما هنوز نمردم

■ **حسین گل‌محمدی**

اینکه نوروز امسال با نخریدن آجیل، قیمت پسته، تخمه، بادام و فندق پایین آمد یا نه موضوع بحث ما نیست، البته چندان هم اهمیت ندارد، چراکه بدون آجیل هم می‌توان زندگی را گذراند، موضوع بحث ما رفتار خوب و نسبتاً هماهنگ مردم است که تا حد زیادی به شعار «نوروز بدون آجیل» نه گفتند. مردم و حداقل بخش اعظمی از مردم نشان دادند که می‌توانند در مقابل گرانی بی‌منطق بعضی کالاها نه بگویند و با نخریدن و مصرف نکردن، نمونه‌ای عینی از ارزش‌های الگوی مصرف رازنده کنند. خیلی از خانواده‌ها در عید امسال آجیل نخوردند، اما به قول معروف نمر دند، چیزی که به چشم خود دیدم و در بساط مجموعه فامیل عریض و طویل ما که در عید حداقل ۷۰ سفره هفت سین را در بر می‌گرفت، حتی یک سفره نوروزی هم آجیل نداشت. نه اینکه نداشته‌اند که بخرند، نه، بلکه در حرکتی هماهنگ آجیل از سفره‌های عید فامیل ما حذف شد. اتفاقاً با این اقدام همگی



نکته غم‌انگیز ماجرا اینجاست که قضیه جهیزیه و مراسم عروسی به نوعی معامله تبدیل می‌شود، به طوری که خانواده دختر جهیزیه به سنگین می‌دهد و در عوض داماد مراسم عروسی مفصل تری می‌گیرد. یعنی سطحی‌ترین نگاهی که می‌توان به ازدواج داشت

سبک خرید



خیلی از پولدارها هم نخریدند

عید بدون آجیل هم عید شد

می‌کردند و کارشان را به هزار دلیل توجیه می‌کردند و بر عکس خانواده‌هایی که تن به خرید آجیل و میوه‌های گران مثل موز و نارنگی نداده بودند احساس غرور می‌کردند و از این حرکت خود با افتخار صحبت می‌کردند، در ایام عید امسال چشم‌وهمچشمی تغییر شکل داده بود و این نخریدن‌ها موضوع رقابت بانوان همیشه در حال رقابت شده بود. کاش همیشه موضوعاتی از همین دست باعث چشم و همچشمی باشد تا شاید کمی از مشکلات فرهنگی جامعه ما کم‌شود.

ابتدا اصلاً تصور نمی‌شد کسی از این تصمیم همگانی نه به گرانی استقبال کند. با توجه به هجومی که از مردم برای خرید اجناس هر چه گران‌تر دیدیم و این هجوم را حتی در ماه یابانی سال در صف‌های طولانی برای خرید گوشت و مرغ‌های یخی و گرانی که با هزار منت به مردم می‌فروختند می‌دیدیم، دور از ذهن بود که مردم آجیل نخرند. برای عید لباس و پوشاک نخرند. برای عید لوازم لوکس خانه خود را نزنکنند، ولی مردم واقعاً نخریدند. فرساده‌ها پر از جمعیتی بود که فقط تماشا می‌کردند ولی هیچ خریدی انجام نمی‌دادند. تغییر دکوراسیون‌هایی که شب‌های عید بازارش داغ بود، کسادی و سردی بازار را به خود دید. خیلی از خشکبار فروش‌ها اجناسشان روی دستشان ماند و خریداری نداشتند. آجیل‌های مرغوب و درجه یکشان به آجیل‌های درجه دو و سه تبدیل شد. اما رها هزار تومان را نباید خرید. عید بدون آجیل و نارنگی هم عید می‌شود اگر ما بخواهیم.

بالاخره عید شد و دید و بازدیدهای عید هم شروع شد. نکته جالب این دید و بازدیدها میزهای پذیرایی عیدانه بدون آجیل بود. واقعاً مردم آجیل نخریدند. به هر خانه‌ای که می‌رفتیم همه از گرانی و نخریدن آجیل می‌گفتند. همه از اینکه میوه و آجیل گران را نخریدند از خودشان راضی بودند. جالب‌تر این بود که همین نخریدن به یک پز و کلاس تبدیل شده بود. حالا خانواده‌هایی که آجیل و میوه‌های گرانی خرید بودند (البته تعدادشان کم بود) یک جواری احساس شرسندگی



شاید عده‌ای بگویند که این کاهش خرید در شب عید به این دلیل است که مردم توان مالی خرید شب عید را نداشتند. بله حتماً پایین آمدن قدرت خرید مردم یکی از دلایل مهم این کاهش خرید مردم است ولی این کسانی که توان مالی خوبی هم داشتند برای دیگران نخریدند

برای همراهی با دیگران نخریدند

برای همراهی با دیگران نخریدند